

مروری بر عکس‌های نمایشگاه اعضاء انجمن عکاسان کانادا ۱

علیرضا یزدانی AliRezaYazdani@Caroun.com، زمستان ۱۳۸۵

انجمن ملی هنر عکاسی (NAPA) و انجمن عکاسی رنگی کانادا (CPAC) در سال ۱۹۹۸ با هم ادغام و انجمن عکاسان کانادا (CAPA) را بنیان نهادند. مسعود سهیلی عهده‌دار بخش خاورمیانه این انجمن است. طی یکی دو سال گذشته شاهد فعالیت‌های او به صورت فشرده و خستگی‌ناپذیر بوده‌ایم، در این مدت هنرمندان بسیاری در رشته‌های مختلف و سطوح گوناگون در سایت او به نام کارون (www.Caroun.com) معرفی شده‌اند، اما پس از مدتی، فعالیت او در جهت عضوگیری عکاسان برای انجمن عکاسان کانادا متمرکز گردید. وی تا کنون موفق شده است بیش از ۱۴۰ نفر را به عضویت این انجمن درآورد و آنان را با آن سوی جهان مرتبط سازد. برخی از این اعضا موفق شده‌اند به مسابقات جهانی عکس در آمریکا، چین، ژاپن، انگلیس و هلند راه یابند و آثار خود را به نمایش بگذارند.

اولین نمایشگاه - مسابقه این اعضا از ۱۷-۱۲ آبان امسال در گالری ۷ تمر و با داوری خانم مریم زندی و آقایان ناصر تقوایی و اسماعیل عباسی برگزار گردید. این نمایشگاه قرار است سال آینده در تهران و دو سال بعد در کانادا با داوری بین‌المللی برگزار شود. خود من بنا به دلایلی نتوانستم در این نمایشگاه حاضر شوم و عکس‌ها را روی دیوار ببینم، اما بعداً آنها را در آتلیه ایشان در حالیکه بر روی کف اتاق در کنار هم چیده شده‌بودند، تماشا کردم و بعد بارها و بارها بر روی مونیتر مرور نمودم، که حاصل آن یادداشت کوتاهی شد که اکنون می‌خوانید.

در عکس‌های سه‌گانه نیما ناصری شاهد سه صحنه از مترو هستیم که در اولین تصویر به علت تنوع عناصر بصری در دو سمت آن، چشم ما در نقاط مختلف تصویر حرکت می‌کند و در نهایت در نقطه‌گریز آن از تصویر خارج می‌شود. فضای سیاهی در نیمه بالا ایجاد نوعی تنفس بصری کرده است و فرمی که از میانه تصویر به شکلی جذاب سر بر آورده است، سرعت دور شدن دیواره سمت چپ را کاهش داده و شکستگی جالبی را پدید آورده است، ضمن اینکه ترانسپیرانت هم هست و صحنه‌های پشت خود را مسدود نکرده است. در عکس دوم، که ترن ایستاده است، شاهد کاسته شدن تنوع و بسته‌تر شدن فضا هستیم، بطوریکه چشم ما پس از توقف کوتاهی در نمای جلوی ترن، با سرعت به طرف نقطه‌گریز کشیده می‌شود. در عکس سوم که ترن جلوتر آمده و نیمه سمت چپ را کاملاً مسدود کرده است، چشم ما هیچ مجال و فرصتی برای گردش در سطح پیشین تصویر پیدا نمی‌کند و در فضایی تنگ و بسته به گونه‌ای سرسام‌آور به عمق و دوردست رانده می‌شود. این هنرمند با سه‌گانه کردن عکس خود ضعف‌های متعددی را به نمایش گذاشته است. عکس سیاه و سفیدی از هنرمند ترکیه‌ای، مرادگرم، آدم‌هایی را نشان می‌دهد که کاملاً سیاه هستند و دو بعدی به نظر می‌رسند. نحوه آرایش پیکرها بسیار تماشایی است، گرچه به نظر می‌رسد اگر رفلکس آنها را بر روی زمین نداشتیم جذابیت تصویر دو چندان می‌شد.

مینا مؤمنی عکسی را با نام دخیل، به تماشا گذاشته است که پارچه‌های بسته شده به چارچوب مشبک را در حرکتی رویا گونه نشان می‌دهد. پارچه‌هایی که انگار دیگر پارچه نیستند و چون بخار و دودی سیال به آسمان می‌روند. کادر بسته و فضای سیاه پشت دخیل، در جذابیت پیش‌زمینه نقشی اساسی ایفا کرده‌اند.

بتول مختاری در عکس خود مردی را نشان می‌دهد که بازوی عریان او کنتراست شدیدی را از لحاظ رنگ، فرم و معنا با پوشیدگی زن و رنگ‌های تیره کل صحنه، به نمایش می‌گذارد، در حالیکه چتری سیاه را بر روی سر زن گرفته است.

آذین راد در عکس خود حضور گسترده‌ای از رنگ سبز را با تاباندن نور بر روی شیشه‌ای شکسته به نمایش گذاشته است، اما حضور قرمز در میان رنگ غالب سبز، در صورت ترکیب نشدن آن، می‌توانست به حضوری پر قدرت و پرجاذبه تبدیل شود. ضمن اینکه اساساً ترکیب‌بندی که آذین راد برای عکاسی خود آماده کرده است، چندان ترکیب‌بندی چشم‌نوازی نیست.

ماسک‌هایی که حمیرا یاسری عکاسی کرده است، دارای کمپوزیسیونی قوی و ساختاری حساب شده و محکم است. به نظر می‌رسد همه چیز در جهت القای سکوت و آرامش عمیق به خدمت گرفته شده است.

کار امیرسعید گرچی عکسی است با نگاهی از آسمان بر روی زمین، لایه‌ای از دود و مه، بخشی از منظره زمینی را که زیر نگاه ماست محو کرده، اما دودکش‌های غول‌پیکری در میانه تصویر در آرایشی منظم نگاه ما را به سوی خود معطوف می‌کنند. دودکش‌هایی که در میان مزارع سرسبز قد فراشته‌اند، با رنگ و فرمی ناهمخوان و بیگانه، تهدید را القا می‌کنند.